

سیاستگذاری امور فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی (ره)

ناصر جمالزاده* - میثم آقادی**

چکیده

سیاستگذاری کلان در زمینه امور فرهنگی کشور که منجر به رشد و توسعه برنامه‌های فرهنگی با مضامین اسلامی و خودی و نه وارداتی شود، نیازمند مبانی نظری قوی خواهد بود. تبیین این سیاست‌ها از دیدگاه امام خمینی (ره) با بررسی آراء و نظرات ایشان کمک مؤثری به حل مشکلات فرهنگی خواهد کرد. این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی در پی آن است که با بررسی نظرات امام خمینی در صحیفه امام و با تأکید بر وصیت‌نامه سیاسی الهی ایشان مؤلفه‌های سیاستگذاری امور فرهنگی کشور را استخراج کند. در این پژوهش به اختصار تلاش می‌شود به این سؤالات پاسخ داده شود: ۱. امام خمینی چه تعریفی از فرهنگ ارائه می‌دهند؟ ۲. با توجه به لزوم شناخت فرهنگ بیکانه، رهبر انقلاب چه ویژگی‌هایی را برای فرهنگ غیرخودی برمی‌شمرند؟ ۳. چه پیشنهادهایی را می‌توان برای سیاستگذاری کلان امور فرهنگی براساس نظرات امام خمینی استخراج کرد؟

واژگان کلیدی

امام خمینی (ره)، سیاستگذاری، امور فرهنگی، اسلام، استعمار

*. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

** . دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

مقدمه

سیاستگذاری کلان در اداره امور فرهنگی کشور با توجه به لزوم برنامه‌ریزی فرهنگی در مسیر رشد و توسعه کشور امری مهم تلقی می‌شود و به همین جهت از چندین دهه پیش تاکنون مفهوم سیاستگذاری فرهنگی در کشورهای مختلف جهان مورد توجه قرار گرفته است. نگاه به فرهنگ به عنوان یکی از زمینه‌های اساسی توسعه و از سوی دیگر امکان مدیریت فرهنگی برای تغییر در عناصر فرهنگی، دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و توجه به نقش قوای مجریه و مقننه در برنامه‌ریزی فرهنگی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری مفهوم سیاست فرهنگی به وجود آورده است.

سیاستگذاری فرهنگی نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های ضروری در فعالیت‌های فرهنگی و به عبارت دیگر راهکار و دستورالعمل برای تعیین اولویت برنامه‌های فرهنگی برای مدیران فرهنگی خواهد بود. (نگهدار، ۱۳۸۲: ۱۴)

در جمهوری اسلامی ایران نیز توجه به مقوله فرهنگ به عنوان اساس تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های جهان و به تبع آن اهمیت بحث فرهنگ در نظام مبتنی بر اهداف انقلاب اسلامی، بسیار مهم و حیاتی تلقی می‌شود. لذا از همان روزهای آغازین تشکیل حکومت اسلامی، حضرت امام بیش از پیش با تأکید بر نفی فرهنگ غربی و جایگزین نمودن فرهنگ اسلامی سعی در تحقق بخشیدن این مهم داشتند.

در سال‌های ابتدایی تشکیل جمهوری اسلامی براساس تأکیدات حضرت امام (ره) و احساس نیاز شدید در اثر عدم همخوانی ساخت فرهنگی موجود با ساختار و اهداف جمهوری اسلامی، انقلاب فرهنگی در جهت اصلاح ساختار فرهنگی کشور و از جمله نظام آموزشی و تحصیلی شکل گرفت. علی‌رغم اقدامات مثبت انجام شده، بنا به علل مختلفی از جمله فراهم نبودن زیرساخت‌ها و محتوای لازم و عدم وجود نیروی فکری و انسانی متعهد و متخصص، انقلاب فرهنگی نتوانست آنگونه که باید و شاید همه معضلات فرهنگی و ابعاد

مختلف مسائل فرهنگی از جمله سیاستگذاری‌های کلان فرهنگی را به سرانجام برساند. در این میان مجلس شورای اسلامی به عنوان مهم‌ترین رکن قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در زمینه سیاستگذاری تقنینی در زمینه قوانین مرتبط با عرصه فرهنگ و تصویب قوانین کارآمد، گام‌های بلندی در جهت سیاستگذاری فرهنگی برداشته و خلأهای قانونی در حوزه هماهنگ‌سازی و تسهیل سازوکارهای دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی را جبران نماید.

از آنجا که رهنمودهای حضرت امام خمینی(ره) مشخص‌کننده آرمان، اهداف و مسیر حرکت و تداوم انقلاب اسلامی و وصیت‌نامه ایشان به طور خاص دربردارنده سیاست‌های کلان در مسیر آینده نظام اسلامی است، لذا رهنمودهای ایشان در حوزه فرهنگی به طور خاص می‌تواند جهت‌گیری‌های کلی در حوزه فرهنگی را تا حد زیادی روشن سازد.

هدف این پژوهش که بر مبنای متدولوژی توصیفی، تحلیلی است، تبیین سیاستگذاری فرهنگی مبتنی بر اندیشه امام(ره) و ارائه راهکارهای پیشنهادی متناسب، در موضوع سیاستگذاری فرهنگی در حوزه قانونگذاری است. این پژوهش درصدد است به یکی از نگرانی‌های مهم مسئولان و تدوین‌کنندگان سیاست‌های کلان فرهنگی کشور در مورد چگونگی تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی در این حوزه با تأکید بر نقش مجلس و با در نظر گرفتن رویکرد فرهنگی مبتنی بر اندیشه امام خمینی(ره) پاسخ دهد.

در خصوص پیشینه تحقیق باید اشاره کرد مقالات و کتب «نادری» که در خصوص اندیشه‌های فرهنگی امام خمینی به رشته تحریر در آمده است، بیشتر جنبه گردآوری داشته و فاقد ارزیابی و تحلیل است. برای مثال کتاب «دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی(ره)» که «اسدی مقدم» آن را جمع‌آوری کرده است، صرفاً دسته‌بندی سخنان امام در موضوعات فرهنگی است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آن را چاپ کرده است. در این میان گزارش درخور تقدیری را مرکز پژوهش‌های مجلس آماده کرده که در آن به بررسی سیاست‌های تقنینی جهت اداره امور فرهنگی کشور مبتنی بر وصیت‌نامه امام خمینی پرداخته شده است.

۱. جایگاه فرهنگ در اندیشه و کلام امام خمینی(ره)

۱ - ۱. تعریف و اهمیت فرهنگ و بایسته‌های آن

امام خمینی(ره) فرهنگ را مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت می‌داند. چه اینکه اگر فرهنگ یک ملت ناصالح شد، جوانانی که براساس آن فرهنگ رشد می‌کنند، در آینده، مضر به حال آن ملت خواهند بود. امام خمینی عبارت «فرهنگ استعمار و انگلی» را برای فرهنگ جامعه‌ای به‌کار می‌برند که با برنامه‌ریزی کشورهای بیگانه در پی تحول فرهنگی یک جامعه برآیند. در مقابل چنانچه فرهنگ ملتی، فرهنگ صحیح و به تعبیر امام خمینی «فرهنگ حق و الهی» باشد، نافع به حال اهل ملت خواهد بود. ایشان در مواضع و صحبت‌های خود تلاش رژیم پهلوی را استعماری کردن فرهنگ می‌دانستند و وظیفه خود را مقابله با این جریان و به تعبیر دیگر تبدیل فرهنگ ملت به فرهنگ حق و الهی برمی‌شمردند. (اسدی مقدم، ۱۳۷۲: ۲۰)

از نظر امام خمینی(ره)، اساس استقلال یک کشور را فرهنگ آن شکل می‌دهد: «فرهنگ، اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است و لهذا آنها کوشش کرده‌اند که فرهنگ ما را استعماری کنند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۵۷)

به خاطر اهمیت فرهنگ است که بزرگ‌ترین تحولی که در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت، تحول در فرهنگ مردم بود و فرایند تحول فرهنگی به سمت صلاح و صحیح آن، مقطعی و کوتاه مدت نمی‌باشد، تحول فرهنگی نیازمند برنامه‌های فرهنگی منسجم و مداوم است.

۲ - ۱. مؤلفه‌های فرهنگ غربزده و استعماری

امام خمینی(ره) به کرات در سخنرانی‌ها، پیام‌ها و به طور بارزی در وصیت‌نامه خودشان به شیوه‌های رسوخ غرب در فرهنگ زمان طاغوت می‌پرداختند که به بررسی آن می‌پردازیم.

۱ - ۲ - ۱. عقب نگه داشتن و استعماری کردن مراکز آموزشی (دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه)

«از توطئه‌های بزرگ آنان به دست رفتن مراکز تعلیم و تربیت خصوصاً دانشگاه‌هاست که مقدرات کشورها در دست محصولات آنهاست.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۱۹)

از جمله اهداف استعمارگران در دانشگاه‌ها، برداشتن روحانیون از سر راه منافع نامشروع آنان است، زیرا با تسلط بر دانشگاه‌ها و پیاده کردن افکار و اخلاق استعماری، هم روحانیون منزوی می‌شوند و هم نسل تحصیل کرده چندان زیر بار افکار و اخلاق نخواهد رفت و در نتیجه روحانیت از صحنه خارج خواهد شد و هم‌چنین با تربیت نسل جدید طبق دلخواه استعمارگران و بی‌تفاوت بارآوردن جوانان و بلکه بی‌دین نمودن آنان، استعمار می‌تواند به راحتی با کمک ایادی بی‌دین و خائن خود، آنان را در رأس کارهای مهم و استراتژیک بگمارد و آنها نیز حافظ منافع بیگانگان باشند و کشور را تحت سلطه شرق یا غرب قرار دهند. باید توجه نمود که روش برخورد استعمارگران با روحانیون و مدارس علوم اسلامی با روشی که آنها در دانشگاه‌ها و دبیرستانها دارند، متفاوت است.

«و اما در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به سوی غرب یا شرق بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها، هر چه می‌خواهند، انجام دهند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۴۲۱)

موضوع به انزوا کشاندن روحانیت یکی از مسائل مهم، دردناک و زیان‌بار برای جامعه اسلامی و خصوصاً ایرانیان بوده و این توطئه خطرناک از طرف استعمارگران پس از مسأله تحریم تنباکو و قدرت روحانیت در بسیج مردم در این مسأله، طرح‌ریزی و با روش‌های مختلف پیاده شد. در یک تحلیل می‌توان گفت مسأله مشروطیت و استفاده‌ای که استعمار از این موضوع کرد، یکی از آن موارد می‌باشد. گرچه به حسب ظاهر مشروطیت برای کنترل قدرت مطلقه سلاطین قاجاریه پی‌ریزی و دنبال شد، ولی دست استعمارگران در جهت‌دهی

۴۲ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

به آن مشهود بود و منجر به اختلاف علما در مراکز علمی شیعه و در نتیجه تضعیف قدرت آنها و بالاخره اعدام بی‌رحمانه برخی همچون «شیخ فضل‌الله نوری» شد.

نقشه آنها در مورد روحانیون، منزوی کردن آنها از طریق سرکوبی، خشونت و هتاکی بوده که در زمان رضاخان عملی شد ولی نتیجه عکس گرفته شد، یا با تبلیغات، افتراها و نقشه‌های شیطانی برای جدا کردن از قشر تحصیل کرده و به اصطلاح روشنفکر است.

اوج جریان به انزوا کشاندن روحانیت، در زمان «آتاتورک» در ترکیه و «رضاخان» در ایران بود. در زمان رضاخان، حمله آشکار به دین و مظاهر آن از طریق کشف حجاب، جلوگیری از سوگواری بر ائمه هدی و امام حسین (ع)، خلع لباس روحانیت به بهانه ایجاد لباس متحدالشکل، فروش موقوفات و امحاء آن، تبعید علما، تعطیل کردن مدارس علمیه و جلوگیری از تحصیلات طلاب به بهانه لزوم اداره مدارس زیر نظر وزارت معارف و اوقاف در همین راستا است. تنگ گرفتن بر روحانیت و انزوای آنها تا پایان سلطنت رضاخان (شهریور ۱۳۲۰ شمسی) با شدت هرچه تمام‌تر ادامه داشت و بعد از فرار رضاخان و تبعید او توسط متفقین به جزیره موریس و روی کار آمدن «محمدرضا»، با صلاح‌دید غرب، توطئه به شکل دیگری پیاده شد و آن، ایجاد عداوت و دشمنی بین دانشگاهی و روحانی بود، ایجاد مدارس جدید و دانشگاه‌ها و سربرهنگی اجباری دخترانی که می‌خواستند به این مراکز بروند، موجب شده بود متدینین و علما، خود را از دستگاه و مخصوصاً این‌گونه مراکز به ظاهر علمی کنار بکشند. بالتبع نتیجه این امر هم اداره کردن این مراکز توسط افراد فاسد و مغرض یا بی‌تفاوت و بی‌صلاحیت بود. در چنین فضایی محمدرضا شاه اقدام به تأسیس دانشگاه اسلامی می‌کند و آن را تحت نظارت وزارت فرهنگ قرار می‌دهد. امام خمینی نیز در یک موضع‌گیری شجاعانه مخالفت خود را با دانشگاه اسلامی که رژیم پهلوی مؤسس و بانی آن است اعلام می‌دارد و افرادی که وارد آن دانشگاه شوند را تفسیق می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۰۳)

تعریف امام خمینی (ره) از دانشگاه و وظیفه اصلی که ایشان برای دانشگاه معین نمودند، باید چراغ هدایتی در برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی قرار گیرد و در طراحی، اجرا و نیز

سیاستگذاری امور فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۴۳

❖ سال دوازدهم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۸۹

ارزیابی براساس این مبنا و خط سیر، حرکت کرد. از دید امام خمینی دانشگاه مأمور ساختن انسان است و مقدرات هر کشوری به دست دانشگاه و آنهایی است که از دانشگاه بیرون می آیند. دانشگاه می تواند دانشجویی را فارغ التحصیل کند که کشور را به هلاکت بکشاند و نیز دانشگاه می تواند فردی را تربیت کند که یک کشور را نجات دهد. اهمیت تعلیم و تربیت در قرآن کریم، که یک کتاب آدم سازی است، به قدری زیاد است که به عنوان یکی از اهداف بعثت انبیا ذکر شده است و از آنجا که تعلیم و تربیت که کار انبیا و شریف ترین کارهاست، مسئولیت انبیا و به تبع آن کسانی که شغل انبیا را ادامه می دهند، نیز مسئولیتی بالاتر از همه مسئولیت هاست.

از آنجا که مدح و ثناگویی از دولت و رژیم شاهنشاهی یکی از مهم ترین وظایفی بوده که همه دستگاه های رژیم پهلوی از جمله دانشگاه ها مأمور انجام آن بودند، نایستی امروزه نیز از نقش نقادی و البته نقد منصفانه جوامع علمی و دانشگاه ها از برنامه های دولت ها، در روند رو به رشد جامعه، غافل ماند. در زمان پهلوی همه دستگاه ها برای آریامهر مداحی می کردند و همه سازمان های دولتی در مسیر تقویت اداره ظلم برمی آمدند.

بر این اساس استعماری کردن مراکز آموزشی کشور خصوصاً دانشگاه ها و حوزه های علمیه که در مورد هر کدام، از راه مخصوص آن استفاده شده است، ویژگی مهم فرهنگ غربی است که در کلام امام خمینی و وصیت نامه ایشان نمایان است.

۲-۲-۱. تحول نیروی انسانی کشور به نیروی متکی به غرب

استعمار برای ایجاد جریان تحول فکری و فرهنگی از ابزارهای متناسب فرهنگی استفاده می کند: «رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تخدیر ملت ها، خصوصاً نسل جوان بوده است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۳۴)

چنانچه نیروی انسانی یک کشور، متکی به کشور بیگانه شود، اثر تحول فرهنگی آن در ملت باقی خواهد ماند، فرهنگی که در زمان رژیم پهلوی در کشور ترویج می شد براساس

۴۴ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

اتکا به غرب پایه‌ریزی شده بود. لذا این فرهنگ وابسته، فرهنگی نبود که بتواند مملکت را اداره کند و جوان نیرومند آن بتواند ملت را نجات دهد.

در تاریخ ۱۰۰ سال اخیر کشور ایران، به ویژه نیمه دوم آن، از ابزارهای فرهنگی برای تبلیغ ضداسلام و ضدروحانیت نقشه‌های بزرگی طراحی شده است، همچنین در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق و آنهایی که در ساختمانها، تزئینات و تجملات از غرب تقلید می‌کنند و حتی در اجناس، نوشیدنی و پوشیدنی، آنها را الگوی خود قرار می‌دهند، به طوری که افتخار بزرگ فرهنگی مآب بودن، در تمام شئون زندگی از رفتار، گفتار، پوشش و آداب معاشرت تا به کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار آنها نمایان است، کوشش فراوانی شده بود. بدین لحاظ برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی علاوه بر اینکه بایستی خلأ تحول فرهنگی در رژیم پهلوی را جبران نماید، باید در مسیر نمایاندن فرهنگ اسلامی ایرانی باشد.

۳-۲-۱. تبلیغات دامنه دار و بزرگ جلوه دادن پیشرفت غرب

از جمله شاخص‌های فرهنگ استعماری و غرب‌زده، بزرگ جلوه دادن فرهنگ غربی و کوچک نمایاندن فرهنگ خودی است. هنگامی که برای پیشرفت‌های غرب تبلیغات دامنه‌داری صورت بگیرد نتیجه آن در درازمدت غرب‌زدگی جوانان، اطمینان نداشتن به توانایی‌های خود و کشور خود و وابستگی در جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی به آنها است. نشانه‌های این تبلیغات را می‌توان در نامگذاری خیابانها، میادین، کوچه‌ها و مراکز علمی، فرستادن دانشجوی به عنوان بورس تحصیلی صرفاً به کشورهای استعمارگر، نادیده گرفتن پیشرفت‌های کشور، اهمیت ندادن به مراکز آموزشی کشور و تصویب بودجه ناکافی برای آن، تدریس دروس و متون غربی بدون نقد و ارزیابی در مراکز آموزشی، بزرگ جلوه‌دادن دیدار سران کشور با سران کشورهای استعمارگر و قدرتمند جهانی و مواردی از این قبیل، مشاهده کرد.

امام خمینی(ره) با تکیه بر این نکته که بایستی سابقه تاریخی و خاطره تلخ دودمان پهلوی در به عقب کشاندن فرهنگ ملی و اسلامی را متذکر شد، در این باره در وصیت‌نامه

سیاستگذاری امور فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۴۵

خود چنین آورده‌اند: «اینجانب نمی‌گویم ما خود همه چیز داریم، معلوم است که ما را در طول تاریخ نه چندان دور خصوصاً و در سده‌های اخیر، از هر پیشرفتی محروم کرده‌اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً و مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک دیدن‌ها و یا ناچیزدیدن‌ها ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۲۰)

هرگاه ملتی خود و فرهنگ غنی خود را باور کند و نسبت به پیشرفت‌های ملی خود ایمان داشته باشد، دیگر نسبت به پیشرفت غرب احساس حقارت نمی‌کند. ملت شریف ایران نیز همواره در طول سه دهه پر برکت انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی و توصیه‌های فرزانه «مقام معظم رهبری»، با ایمان به پیشرفت‌های حیرت آور خود، تبلیغات گسترده غرب در زمینه بزرگ جلوه دادن فرهنگ غربی را خشتی کرده است.

۴-۲-۱. بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده

در وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی(ره) آمده است: «از جمله نقشه‌هایی که مع‌الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به‌جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش، غرب‌زده و شرق‌زده نمودن آنان است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۲۶)

خودباختگی کشورهای اسلامی و شرقی در برابر کشورهای استعمارگر به نحوی که ملت‌ها احساس حقارت کنند و حتی باور داشته باشند که خودشان هیچ ندارند و هر چه از شرق یا غرب بیاید مطلوب و خوب است، از جمله مؤلفه‌های اصلی فرهنگ غرب‌زده می‌باشد. این خودباختگی مصیبت بزرگی است که در هر کشوری که پیدا شود و آن کشور تا با این طرز تفکر ادامه حیات بدهد، عقب‌نگه داشته خواهد ماند: مگر اینکه طرز تفکرش را عوض کند و بداند که عزت و پیروزی از آن خدا و رسول و مؤمنین است^۱ و در این

۱. الله العزه و لرسوله و للمؤمنین. مناقنون(۶۳): ۸

۴۶ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

صورت امید ابتکار، خلاقیت و پیشرفت برای آن کشور می‌رود. در یک سطح تحلیل، عوامل استعمارزدگی را می‌توان در سه مورد نام برد:

اول: پیشرفت کشورهای غربی در تکنیک و صنعت؛ چون ملت‌های ضعیف و مسلمان، پیشرفت‌های مختلف کشورهای غربی را در فضا، روی زمین و داخل آب مشاهده می‌کنند، خیال می‌کنند آنها در همه چیز از جمله فرهنگ و اخلاق جلو هستند، در حالی که این چنین نیست.

دوم: سردمداران کشورهای کوچک و ذره‌ای که غالباً دست‌نشانگان آنها هستند و به خاطر همین دست‌نشاندهی در مقابل آنها خضوع، فروتنی و اظهار تسلیم و بندگی می‌کنند، از استعمارگران با تجلیل و عظمت یاد می‌کنند. لذا در کشورهای خود طوری برنامه‌ریزی می‌کنند که اجناس آن کشورها وارد شده و به فروش برسد ولو باعث رکود و یا نابودی اجناس داخلی گردد و نیز تلاش می‌کنند تا فرهنگ بیگانه در کشور پیاده شود و خودشان برای پیاده کردن آن فرهنگ آلوده پیشقدم می‌شوند، وقتی که سردمداران کشور چنین باشند، مردم نیز تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند.

سوم: تبلیغات علنی، محسوس و نیز غیرمحسوس افراد بی‌دین و جاسوس که مانند ستون پنجم دشمن مشغول تخریب روحیه‌ها و فرهنگ اسلامی هستند و در مقابل آن تمجید از دستاوردهای غرب و شرق، لقب متمدن و روشنفکر به افراد بی‌بندوبار دادن، انتخاب اسامی خارجی و افتخار کردن به سفرهای خارجی از جمله مؤلفه‌های استعمارزدگی است.

امام خمینی (ره) برای تقویت روح اعتماد و اتکاء به نفس افراد مسلمان و به خصوص ملت انقلابی و مسلمان ایران، نظریه «اگر بخواهیم، می‌توانیم» را مطرح نمودند و معتقد بودند با اراده مصمم، فعالیت و پشتکار خود، دست به ابتکار و خلاقیت زده، در جهت رفع وابستگی‌ها قیام می‌کنیم و مردم باید در نظر داشته باشند که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا از لحاظ هوش و استعداد عقب نیستند. مروری بر تاریخ اسلام این مطلب را که مسلمین تا چند قرن پس از هجرت پیامبر (ص)، پیشرفته‌ترین ملت‌ها بودند و در همه چیز از جمله

تکنیک و صنعت از دیگر ملل، جلوتر بودند، این حقیقت را اثبات می‌کند.

البته از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) شعار «اگر بخواهیم، می‌توانیم» به این معنی نیست که «ما خود همه چیز داریم» چه اینکه در طول تاریخ نه چندان دور به‌ویژه در سده‌های اخیر و علی‌الخصوص دودمان پهلوی، برنامه منسجمی برای خودکوک‌چک‌دیدن‌ها و یا ناچیزدیدن‌ها داشته‌اند. برای مثال واردات انواع کالا، سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان به اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش، تزئینات، تجملات و بازی‌های کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده‌ها و مصرفی بارآوردن آنها، به تباهی کشاندن جوانان این مرز و بوم با فراهم آوردن مراکز فحشا، عشرت‌کده‌ها و ده‌ها نمونه دیگر برای عقب‌نگه داشتن این کشور صورت گرفته است. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۳۸)

امام خمینی شعار «اگر بخواهیم، می‌توانیم» را مشروط به چند عامل می‌داند: ۱. اتکال به خداوند تعالی. ۲. اتکاء به نفس و قطع وابستگی به دیگران. ۳. تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و ۴. خارج شدن از سلطهٔ اجانب. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۴۰)

۵-۲-۱. معرفی تحریف آلود اسلام

از جمله حربه‌های کشورهای استعمارگر برای رسوخ در فرهنگ کشورهای اسلامی، تحریف واقعیت اسلام است. در گذشته این کار از طریق مستشرقان مزدور و به صورت تألیف کتاب، انجام می‌گرفت و امروزه علاوه بر آن، سوءاستفاده از رسانه‌های عمومی از جمله ساخت فیلم‌های مخالف با واقعیت تاریخ اسلامی و تاریخ کشور ایران، سیطره دروغ‌آمیز بر انواع شبکه‌های ماهواره‌ای، رسانه‌های خبری و فضای سایبری، جعل تاریخ و تحریف واقعیات در کتب و مقالات به اصطلاح علمی و پژوهشی و مواردی از این قبیل انجام می‌شود.

مستشرقانی که در زمینه تاریخ اسلام تألیفاتی داشته‌اند به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: گروهی با پیش فرض اینکه اسلام، دین خشونت است، به بررسی حوادث و جریان‌های تاریخی می‌پردازند و گروه دیگری که بدون این پیشینه ذهنی به بررسی حوادث می‌پردازند. گرچه

❖ ۴۸ نامه پژوهش فرهنگی

ممکن است گروه دوم، تحلیل‌ها و دقت ویژه‌ای هم در این خصوص داشته باشند، ولی اگر ملتی بخواهد اسلام را بشناسد، با صحبت‌های غربی‌ها و مستشرقان به بررسی واقعیت اسلام پردازد و مواضع اسلام‌شناسان حقیقی را نادیده بیندارد، برگرفته از فرهنگ استعمارزدگی می‌باشد.

بنابر نظر امام، تبلیغات علیه اسلام به روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد:

۱. به صورت ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلامی که ۱۴۰۰ سال پیش وضع شده است، توانایی اداره جامعه امروزی متمدن را ندارد و یا به این صورت که اسلام، یک دین ارتجاعی و با هرگونه نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است.
 ۲. به صورت موزیانه، شیطنت‌آمیز و به شکل طرفداری از قداست اسلام، با این تبیین که اسلام و دیگر ادیان الهی بر معنویات، تهذیب نفوس، تحذیر از مقامات دنیایی، دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات، اذکار و ادعیه، که انسان را به خداوند نزدیک و از دنیا، حکومت و سیاست دور می‌کند، بنا شده است. امام خمینی تبلیغات نوع دوم را در بعضی از روحانیون و متدینان بی‌خبر از اسلام مؤثر دانستند: «تبلیغ به وجه دوم در بعضی از روحانیان و متدینان بی‌خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می‌دانستند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۰۵)
- براساس اندیشه امام خمینی در جواب تبلیغات نوع اول می‌توان گفت: اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائرانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد، فحشا و انواع کجروی‌ها و جلوگیری از استعمار، استثمار، استعمار و جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه و راهبری جامعه به موازین عقل، عدل و انصاف، مواردی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر کهنه شود. چه اینکه با مرور زمان، گرد تغییر بر چهره قواعد عقلی و ریاضی، نمی‌نشیند. همچنین در جواب تبلیغات نوع دوم نیز باید توجه داشت که آن مقدار احکامی که در قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) در باب حکومت و سیاست وجود دارد در سایر موارد نیست،

سیاستگذاری امور فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۴۹

❖ سال دوازدهم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۸۹

بلکه حتی بسیاری از احکام عبادی اسلام، عبادی سیاسی است. در گذشته طرز تفکر مبلغان مسیحی و رجال وابسته به کلیسا، مخالفت با علم و دانش بود و دانشمندان و صاحبان اندیشه‌های نو را که در مورد طبیعت یا زمینی حرف جدیدی می‌زدند، انکار و حبس می‌کردند و بعضاً در آتش می‌سوزاندند یا تبعید می‌کردند و یا آنان را وادار می‌کردند که از تحقیق و فکر تازه‌شان دست بردارند. مثال بارز این موضوع متهم کردن «گالیله» به کفر و اجبار کردن وی به توبه توسط کلیسا است. این قبیل کارها، باعث شد که دشمنان دین، علم را جایگزین دین کنند و بگویند دین، افیون توده‌ها و مخالف با تمدن و اختراع است. (باغانی، ۱۳۷۰: ۱۸۴) در حالی که دین مبین اسلام از زمان بعثت پیامبر(ص) بر مبنای علم و تحقیق بنا شده است و اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم(ص) دستور به خواندن می‌دهد و آیات بسیار دیگری نیز بر مسأله تعلیم و تعلم تأکید می‌ورزد.

۶-۲-۱. دادگستری به عنوان سوغات غرب

از آنجا که قوانین یک کشور ناشی از فرهنگ عمومی آن کشور است، در اداره امور فرهنگی، علاوه بر اصلاح فرهنگ، باید به اصلاح قوانین حقوقی نیز پرداخت. کشورهای استعمارزده از جمله ایران زمان پهلوی، علاوه بر آنکه فرهنگ عمومی مردم، فرهنگ وابستگی است، وضعیت دادگستری آنها نیز به نوعی سوغات غرب است.

تحول دادگستری زمان پهلوی به دادگستری براساس احکام اسلامی و سازوکار اسلامی نه تنها وظیفه عالی‌ترین مقام قضائی است، بلکه شورای عالی قضائی و تمام قضات و کارمندان دادگستری نقش مهمی را ایفا می‌کنند. امام خمینی(ره) در قسمتی از وصیت‌نامه سیاسی الهی خود می‌گوید: «و قضات دارای شرایطی که انشاءالله با جدیت حوزه‌های علمیه، مخصوصاً حوزه مبارکه علمیه قم، تربیت و تعلیم می‌شوند و معرفی می‌گردند، به جای قضاتی که شرایط مقرر اسلامی را ندارند، نصب گردند...» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۲۴)

۳- ۱. رابطه فرهنگ با حکومت، اقتصاد و سیاست در اندیشه امام خمینی(ره)

از نظر امام خمینی(ره) چنانچه مسلمانان جامعه‌ای، برای برانداختن حکام فاسد خود، قیام نکنند و در اثر آن حاکمیت اسلام در جامعه کم‌رنگ شود، استعمارگران، فرهنگ بیگانه را در آن جامعه رواج می‌دهند. از آنجا که در گذشته، مسلمانان برای تشکیل حکومت و برانداختن تسلط حکام خائن و فاسد به طور دسته‌جمعی قیام نکردند و بعضی سستی به خرج دادند و حتی بعضی به دعاگویی حکام ستمکار پرداختند، لذا حاکمیت اسلام در جامعه کم و ملت اسلام دچار تجزیه و ناتوانی شد. احکام اسلام بی‌اجرا ماند و در آن تغییر رخ داد. امام خمینی در تبیین این اوضاع می‌فرماید: «استعمارگران برای اغراض شوم خود، به دست عمال سیاسی خود، قوانین خارجی و فرهنگ اجنبی را در بین مسلمانان رواج دادند و مردم را غربزده کردند، همه اینها برای این بود که ما رئیس و تشکیلات رهبری نداشتیم.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۸۰)

از دید امام خمینی(ره) ویژگی فرهنگ صحیح اسلامی، مسئولیت‌آوری آن است، فرهنگ می‌تواند انسان را متعهد بار بیاورد و روحیه تعهد نیز به دنبال خود مسئولیت‌پذیری را به همراه دارد. کسی که خود را در قبال وجدان، جامعه و دین خود مسئول بداند، می‌تواند به حال ملت مفید باشد و مسئولیت‌آوری، کارویژه فرهنگ صحیح است که در حوزه‌های مختلف، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در عرصه عمل وارد می‌شود. امام خمینی ضمن آنکه فرهنگ را پایه اساسی یک ملت می‌دانستند، از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی مملکت نیز غافل نبودند و معتقد بودند با اصلاح فرهنگ به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی هم می‌رسیم. «مدت ۱۵ سال است که من در اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایم خطاب به مردم ایران مصراً خواستار رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی مملکت بوده‌ام. اما شاه سیاست امپریالیست‌ها را اجرا می‌کند و کوشش دارد که ایران را در وضع عقب ماندگی و واپسگرایی نگاه دارد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۶۸) این جملات را در پاسخ مصاحبه‌گری به نام «لوسین ژرژ» بیان فرموده‌اند.

سیاستگذاری امور فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۵۱

❖ سال دوازدهم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۸۹

واژه فرهنگ در نظر امام خمینی(ره) قرابت مفهومی با واژه سیاست پیدا می‌کند. برخی راز اصلی روی آوردن به جامعه و شرکت در امور سیاسی را در طبیعت آدمی می‌جویند و برخی آن را از ضرورت‌های زندگی اجتماعی می‌دانند. در هر دو صورت هنگامی که آدمی، قدم در جامعه می‌نهد، باید به قوانین آن گردن نهد و مقررات آن را در خود نهادینه سازد. امام خمینی(ره) نیز بر اهمیت فرهنگ‌سازی در اصلاح امور سیاسی تأکید ورزیدند. برای مثال، ایشان در وصیت خود به ملت شریف ایران حضور پررنگ و بابسیرت مردم در تمام انتخابات را خواستار شدند: «وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود...» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۲۱)

به همین لحاظ ایشان عدم دخالت ملت در انتخابات را که به خاطر فرهنگ غلط سیاسی مردم است، در بعضی مقاطع گناهی در رأس گناهان کبیره قلمداد کرده و خاطر نشان می‌سازند که علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد.

۲. مبانی سیاستگذاری فرهنگی

در اداره امور فرهنگی جامعه، مبانی سیاستگذاری فرهنگی را براساس آنچه در وصیت‌نامه امام خمینی آمده است، می‌توان موارد زیر برشمرد.

۱- ۲. اسلامی کردن سازوکارهای اداره فرهنگی کشور

امام خمینی تأکید می‌کنند: «اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائرانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کج‌روی‌ها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی

۵۲ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۶۰۵) با توجه به جایگاه و اهمیت قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) در میان منابع دین و نیز اهمیت عقل، برنامه‌ریزی امور فرهنگی کشور بایستی بر مبنای قرآن، سنت و عقل قرار گیرد، بدین معنی که هر نهاد و سازمانی که چندین زیرمجموعه دارد، براساس آموزه‌های برگرفته از این منابع و با توجه به تفکیک وظایف هر نهاد و مجموعه، به تشریح وظایف مجموعه‌های زیر نظر خود پردازد.

روشن است که تنها با وضع قانون اسلامی، هدف محقق نمی‌شود، بلکه بایستی تمام دستگاه‌ها و نیز مردم مؤمن و خداجوی ایران اسلامی، توجه عملی به فرامین اسلامی نموده و در پی عملیاتی کردن این قوانین و سازوکارها برآیند.

۲-۲. جایگاه قرآن در اداره امور فرهنگی کشور

امام خمینی در وصیت‌نامه خود، یکی از افتخارات خود و ملت عزیز ایران را این مطلب می‌داند که پیرو مذهبی هستیم که می‌خواهیم حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین، بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستانها نجات بدهیم و به عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پا، دست، قلب و عقل او پیچیده است و او را به فنا، بردگی و بندگی طاغوت می‌کشاند، مطرح سازیم.

امام خمینی (ره) در اول وصیت‌نامه خود به تحلیل مسائل اسف‌انگیزی که بر قرآن و عترت رسول خدا گذشته است، می‌پردازد و از وسیله قرار دادن قرآن برای حکومت‌های ضدقرآنی نام می‌برند. اصولاً هر حکومتی درصدد راضی نگهداشتن مردم خود از سازوکار حکومت است و یکی از بهترین راه‌ها جهت خشنود نگه‌داشتن مردم، استفاده از قدرت مذهب است که هم در حکومت‌های صالح و هم در حکومت‌های غیرصالح وجود داشته است. از آنجا که قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی برای بشریت است، برقراری حکومت صالح یکی از ابعاد آن محسوب می‌شود: «ما مفتخریم که ائمه معصومین ما، صلوات الله و

سیاستگذاری امور فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۵۳

سلام علیهم، در راه تعالی دین اسلام و پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های جائزانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۳۹۷)

یکی از ابزارهای تبلیغاتی کفر جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران، که عمدتاً توسط وهابیت و عربستان سعودی برای ایجاد اختلاف و تفرقه بین مسلمانان، به ویژه برادران اهل سنت انجام می‌شود، این است که جمهوری اسلامی پیروزی و سازندگی‌اش براساس فقه شیعه و ولایت و امامت اهل بیت رسالت پایه‌گذاری شده و چاشنی این موضوع، تهمت‌ها و دروغ‌های فراوانی است که نسبت به مذهب شیعه و رهبر کبیر انقلاب اسلامی روا می‌دارند. امام خمینی(ره) بدون هیچ نگرانی به این حقایق که افتخار ما در پیروی از قرآن و ائمه اطهار است، اقرار و اعتراف نموده‌اند، زیرا همه این موارد از حدیث ثقلین و تمسک به آن در ثقل سرچشمه گرفته است. حدیث ثقلین نیز که در پیشانی وصیت‌نامه امام می‌درخشد، مورد اتفاق همه مسلمین حتی دشمنان شیعه است و در کتاب‌های خود به صحت و تواتر آن اذعان داشته‌اند. (آذری قمی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۸۸)

امام خمینی(ره) که رمز بقای انقلاب اسلامی را همان رمز پیروزی آن می‌دانستند، دو رکن اصلی آن را انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و دیگری، اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد برمی‌شمردند. البته انگیزه الهی که خداوند در قرآن کریم به آن سفارش فرموده است، در مقابل فراموشی هدف، تفرقه و اختلاف قرار دارد. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۰۵)

لذا مطرح نمودن قرآن کریم در صحنه‌های اجتماعی به اشکال مختلف و نه صرفاً برگزاری مسابقات و همایش‌های قرآنی در مسیر بقای انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد که همان مسیر پیروزی آن است. حضرت امام خمینی بر بطلان ادعای تحریف قرآن (که از بافته‌های وهابیت است) دلیل می‌آوردند و بدون هیچ اعتنایی به بافته‌های آنان، همان قرآنی را که در میان همه مسلمانان عالم از اعتبار و استحکام ظاهری و واقعی برخوردار است، دستورالعمل انقلاب

۵۴ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

جهانی اسلام قرار داده و به پیروی از قرآن توسط خود و امت عزیزش در ایران، افتخار می‌کند. با اینکه حضرتش در مباحث اصولی، فقهی و اجتماعی خود که به پیش از ۵۰ سال پیش برمی‌گردد، تصریح فرموده‌اند که در قرآن هیچ‌گونه تحریف، نقصان و زیادی به عمل نیامده است، بگذار آل سعود و آخوندهای درباری نوک‌صفت، امام را به اعتقاد و به تحریف متهم کنند. (آذری قمی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۹۷)

ایشان با ذکر چند جمله در وصیت‌نامه خود، با اظهار برائت و بی‌زاری از نسبت‌های ناروایی که به ایشان می‌زدند، به پیروی از مذهبی افتخار می‌کنند که می‌خواهد براساس حقایق قرآن منادی وحدت بین مسلمین و بشریت باشد و قرآن را به جایگاه اصلی آن یعنی درمان‌کننده بیماری‌های گوناگون جوامع بشری برساند. امام خمینی تبلیغ را تنها وظیفه وزارت ارشاد نمی‌دانند، بلکه آن را وظیفه همه دانشمندان، گویندگان، نویسندگان و هنرمندان می‌دانند. چرا که اگر چهره واقعی اسلام با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده است از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج‌فهمی‌های دوستان خودنمایی کند، اسلام جهان‌گیر می‌شود و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز درخواهد آمد. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۳۰)

۳-۲. پیروی از سیره ائمه اطهار

اصطلاح «فقه سنتی» که بنیانگذار جمهوری اسلامی ابداع کردند، به این معنی است که فقه ما از سنت پیغمبر اسلام یعنی همان سنتی که توسط ائمه معصومین و مخازن اسرار الهی بیان شده، سرچشمه گرفته است. گرچه برادران اهل سنت، نام خود را سنی و فقه خود را فقه اهل سنت نامیده‌اند و به سنت رسول الله (ص) عمل می‌کنند، ولی فقه شیعه به این نام سزاوارتر است. زیرا بزرگانی از علماء اهل سنت اعتراف کرده‌اند که سنن پیامبر (ص) حداکثر ۵۰۰ حدیث است، حتی برخی مثل «ابوحنیفه» آن را به ۱۷ حدیث صحیح تنزل داده‌اند و بقیه احکام را با قیاس، استحسان، مصالح مرسله و سد ذرائع و حتی با استفاده از روایات

سیاستگذاری امور فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۵۵

امثال «ابی هریره» و «سمره بن جندب» از آخوندهای درباری جبران می‌نمایند. اما فقه شیعه به سستی که حضرت علی(ع)، اعلم صحابه و فرزندان آن حضرت مثل امام باقر و امام صادق(ع) از قول پدرانشان و آنها از قول رسول خدا(ص) نقل فرموده و تصریح نموده‌اند که اینها کلاً سنت پیغمبر است، تمسک می‌نمایند و تعداد این احادیث در مقایسه با احادیث صحیفه اهل سنت بسیار زیاد است. (آذری قمی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۸۸)

امام خمینی در وصیت‌نامه خود چنین مرقوم فرمودند: «و با کمال جد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت، به طور شایسته و به جان و دل و جانفشانی و نثار عزیزان پیروی کنند. از آن جمله دست از فقه سستی که بیانگر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملت‌هاست، چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای منحرف نشوند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۳۹۹)

۴ - ۲. توجه به استقلال و آزادی

امام خمینی بر این نکته تکیه می‌کنند که جمهوری اسلامی یک حکومت معمولی و رایج کشورها نیست که غالباً بر مبنای کاپیتالیسم، سوسیالیسم و یا دیکتاتوری محض اداره شود، بلکه بر مبنای اسلام و به انگیزه حاکمیت اسلام تشکیل شده است. دلیل بر این مدعا خواسته‌ها و شعارهای مردم، فداکاری‌ها و شهادتی است که ملت در راه برپایی حکومت تقدیم کردند. امام خمینی(ره) شعار «نه شرقی، نه غربی» را زمانی مطرح نمودند که تا قبل از دهه ۸۰ میلادی هیچ انقلاب و اصلاحاتی بدون ملاحظات و در نظر گرفتن منافع هر دو یا یکی از بلوک‌های شرق و غرب، مجال بروز و ظهور نمی‌یافت و این مطلب علاوه بر نشان دادن شجاعت و جرأت امام، نمایانگر ایمان راسخ امام خمینی بود. پایان یافتن جنگ جهانی دوم و بلوک‌بندی شدن نظام جدید دو قطبی و تمایل حدود ۱۶۰ کشور به یکی از این دو قطب، اهمیت مطرح کردن این شعار توسط امام خمینی را روشن‌تر می‌سازد. دو برداشت کلی از

۵۶ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

شعار «نه شرقی، نه غربی» وجود دارد؛

الف: عدم رابطه سیاسی در اسلام مورد قبول نیست.

ب: ارتباط با کشورهای دیگر در عین نپذیرفتن سلطه آنان؛ گرچه بایستی کشورهای اسرائیل و آفریقای جنوبی را که عدم مشروعیت ذاتی دارند، از این مورد استثنا کرد. (قادری، ۱۳۷۱: ۵۸)

۳. پیشنهادهایی در زمینه سیاستگذاری فرهنگی براساس دیدگاه‌های امام خمینی(ره)

توجه به امر فرهنگ به عنوان یک عامل تعیین کننده در توسعه همه‌جانبه جوامع، مدنظر کارشناسان قرار گرفته است. در این میان داشتن سیاست‌های فرهنگی و روند سیاستگذاری مطلوب در جامعه ایران نقش مهمی ایفا می‌کند. به طور کلی می‌توان ویژگی‌های برنامه‌ریزی فرهنگی مطلوب را در این موارد بیان کرد: ۱. برنامه‌ریزی فرهنگی باید منعطف باشد. ۲. تجربی باشد. ۳. ویژگی مشارکتی و مردمی داشته باشد. ۴. با توانایی‌های سیستم سازگار بوده و امکانات و ظرفیت‌های موجود جامعه را مدنظر قرار دهد. ۵. آینده نگر باشد. ۶. به قلمرو ملی محدود نشود. ۷. به امر تنوع فرهنگی که به خلاقیت در تولید آثار هنری منجر می‌شود، توجه ویژه‌ای داشته باشد. ۸. اولویت‌گذار باشد. ۹. براساس توافق رسمی میان مسئولان و متولیان امور فرهنگی شکل گرفته باشد و بخش اجرائی نیز مصمم به اجرای آن باشد. (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

بدیهی است که بایستی بسترسازی مناسب جهت انجام مطالعات فرهنگی از سوی مسئولین ذی‌ربط با مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی فرهنگی، فراهم آورده شود و همچنین مرکزی خاص جهت تجزیه و تحلیل، سازماندهی و جهت‌دهی این مطالعات تدارک دیده شود. این گزارش جهت تدوین سیاست‌های مطلوب فرهنگی و فرایند برنامه‌ریزی فرهنگی با مینا قرار دادن دیدگاه‌های حضرت امام خمینی به ویژه در وصیت‌نامه سیاسی الهی خویش، پیشنهادهایی در زمینه اداره امور فرهنگی کشور ارائه می‌دهد.

۱- ۳. سازماندهی فرهنگی

فرهنگ به عنوان جهت دهنده تصمیمات کلان کشور، حتی در تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و نیز در تولید نقش دارد. چه اینکه فرهنگ مثل روحی است که در کالبد همه فعالیت‌های گوناگون کشور حضور دارد.

مواردی که باید در سازماندهی فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد، عبارتند از:

۱. بررسی آسیب‌شناسانه از مدیریت اداره امور فرهنگی در زمینه طراحی، اجرا و نظارت و ارزیابی.
 ۲. ارزیابی و نقد رشته مدیریت فرهنگی در دانشگاه آزاد و گسترش کیفی آن.
 ۳. افزایش توان اطلاع‌رسانی برای معرفی فرهنگ.
 ۴. تعریف دقیق و علمی از جایگاه فرهنگ قومی در قبال جهانی شدن.
 ۵. مشخص کردن اولویت‌های فرهنگی به جای انبوه‌گرایی.
 ۶. تقویت نقش بسترساز فرهنگی دولت.
 ۷. همگرایی در فعالیت‌های نهادهای فرهنگی.^۱
 ۸. توجه به میراث فرهنگی به عنوان پشتوانه‌ای برای توسعه جهانگردی.
 ۹. مشخص کردن سهم هر نهاد فرهنگی در تحقق سند چشم‌انداز و تحدید فعالیت هر یک از نهادها.
 ۱۰. مهندسی فرهنگی.
- از آنجا که فرهنگ اعم از مظاهر فرهنگی مانند زبان و خط است و آنچه مانند عقاید، آداب اجتماعی، موارث ملی و خصلت‌های بومی و قومی، پیکره اصلی فرهنگ ملی را شکل می‌دهد، همگی جزء ارکان فرهنگ یک ملت است که همه اینها باید در مهندسی فرهنگی، لحاظ شود.

به تعبیر دیگر انواع فرهنگ اعم از فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی و

۱. بازتعریف نقش‌های جدید فرهنگی نهادها توأم با تقسیم کار مشخص با توجه به اهداف سند چشم‌انداز ایران.

۵۸ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

فرهنگ سازمانی در مهندسی فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرهنگ ملی عاملی است که یک ملت را به رکود و خمودی یا تحرک و ایستادگی، صبر و حوصله یا پرخاشگری و بی‌حوصلگی، اظهار ذلت در مقابل دیگران یا احساس غرور و عزت در مقابل دیگران، وادار می‌کند. فرهنگ تخصصی و سازمانی در تعداد افراد محدودی نقش آفرینی می‌کند و البته از آنجا که شبکه‌های مختلف فرهنگی کشور، با هم تعامل مستقیم دارند، در فرهنگ عمومی و ملی مؤثر واقع می‌شود.

موارد دیگر فرهنگ را می‌توان در فرهنگ‌های رانندگی، خانواده، لباس و ازدواج جستجو کرد. در زمینه مهندسی فرهنگی دو دیدگاه کاملاً مخالف هم وجود دارد: عده‌ای معتقد به ولنگاری و رهاسازی فرهنگی هستند و عده‌ای معتقد به سخت‌گیری شدید، نظارت همه‌جانبه و توالیتر هستند. نباید با نگاه افراطی به مقوله فرهنگ نگریم. بایستی نگاه معقول اسلامی را ملاک قرار داد و نوع برخورد با آن را بر طبق ضوابطی که معارف و الگوها اسلامی به ما نشان می‌دهد، تنظیم کرد. مقام معظم رهبری که خود موضوع مهندسی فرهنگی را مطرح نمودند، می‌فرمایند: «ما معتقد به نظارت، مدیریت، دقت در برنامه‌ریزی و شناخت درست از واقعیات هستیم. نمی‌شود ما میدان را رها کنیم تا دیگران هرکاری که می‌خواهند، بکنند.»

۲-۳. مشارکت فرهنگی

تشکیل شوراهای فرهنگی و اجتماعی که برای تعیین سیاست‌هایی برای مشارکت فرهنگی تدارک دیده شده و یکی از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده، از جمله اقدامات مؤثر در امر سازماندهی فرهنگی است. البته مشارکت فرهنگی بیش از هر چیز در قالب گروه‌های محلی و کوچک قابل حصول است و لذا نیاز به سیاستگذاری‌های فرهنگی دارد. از جمله راهکارهایی که در جهت مشارکت فرهنگی وجود دارد، عبارتند از:

۱. حفظ استقلال نهادهای فرهنگی و دینی و سازماندهی آنها براساس استقلال.
۲. واگذاری تصدی‌های غیرضروری به بخش خصوصی و مردمی.

سیاستگذاری امور فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۵۹

❖ سال دوازدهم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۸۹

۳. ایجاد تمرکز در اقدامات ستادی، برنامه‌ریزی کلان، نظارت و تنظیم اقدامات حمایتی و هدایتی در سطوح ملی و استانی.
 ۴. اجتناب از موازی‌کاری و تعدد سازمان‌های ستادی و صنفی.
 ۵. تعریف جایگاه مشخص و قانونمند برای سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی.
 ۶. بهره‌گیری تمام سازمان‌های فرهنگی از طبقه‌بندی شفاف مأموریتی.
 ۷. تفکیک مشخص مأموریت دولت، نهاد رهبری و مردم در سطوح ستادی و صنفی.
 ۸. متناسب بودن اختیارات و اندازه سازمان‌های فرهنگی با مسئولیت‌هایشان.
 ۹. افزایش مشارکت بخش غیردولتی در اداره امور فرهنگی. (مسعودی، ۱۳۸۷: ۲۵)
 ۱۰. پرورش کارشناسان نخبه فرهنگی به همراه تعیین ملاک‌های دقیق جهت ارزیابی اقدامات فرهنگی و گویا بودن آمار و ارقام فرهنگی.
 ۱۱. توانمند شدن سازمان‌های فرهنگی در زمینه ارائه گزارش‌های فرهنگی مناسب.
 ۱۲. پیش‌بینی موانع احتمالی بر سر راه اجرای برنامه‌های توسعه و تدارک لازم برای رفع آنها.
 ۱۳. بهره‌برداری شایسته از نقاط قوت، ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی و عناصر تمدن‌ساز فرهنگ و ادب فارسی در راستای اهداف توسعه‌ای کشور.
 ۱۴. توجه به تنوع‌ها و تفاوت‌های قومی، فرهنگی و زبانی و اقتضائات آنها در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی.
 ۱۵. مشخص بودن جایگاه فرهنگ در فرایند توسعه و هماهنگی برنامه‌های کلان اقتصادی و سیاسی کشور با اهداف و ارزش‌های فرهنگی جامعه.
 ۱۶. تعامل پویا بین نظام برنامه‌ریزی و نیازهای فرهنگی. (کاظمی اردکانی، ۱۳۸۵: ۱۹۳)
- از جمله اقدامات مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصویب مجموعه‌ای از شاخص‌های فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۲۵ می‌باشد. در این مجموعه که شامل یک بخش مقدماتی و سه بخش اصلی است، ۱۶۷ شاخص فرهنگی، معرفی شده است که به نظر می‌رسد از جامعیت

۶۰ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

خوبی برخوردار بوده و تقریباً تمامی فعالیت‌های فرهنگی را دربرمی‌گیرد. عناوین بخش‌های این مصوبه عبارتند از: ۱. شاخص‌های تحولات فکری، بینشی و رفتاری. ۲. شاخص‌های مصرف کالا و خدمات فرهنگی. ۳. شاخص‌های توسعه فرهنگی، نیروی انسانی، فضا و تجهیزات. (این بخش خود شامل ۱۰ بخش فرعی است):

الف) کتاب

ب) مطبوعات

ج) سینما

د) موسیقی، تئاتر و سایر فعالیت‌های هنری

ه) ورزش

و) رادیو و تلویزیون

ز) خبرگزاری‌ها

ح) سایر رسانه‌های صوتی و تصویری

ط) امور مذهبی

ی) میراث فرهنگی و امور سیاحتی

ک) اقتصاد فرهنگ، پژوهش و مشارکت فرهنگی

ل) مبادلات فرهنگی

م) وسایل ارتباطی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳-۳. دیپلماسی فرهنگی: مثال جامع علوم انسانی

امروزه، موضوع دیپلماسی فرهنگی در ادبیات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها مطرح شده است که می‌توان آن را روایت داستان یک تمدن، برای صاحبان سایر تمدن‌ها با استفاده از ابزار رهایی از جنس همان تمدن تعریف نمود. استفاده از فرهنگ و به خدمت

سیاستگذاری امور فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۶۱

❖ سال دوازدهم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۸۹

گرفتن ابزارهای فرهنگی در دیپلماسی در مقایسه با سایر ابزارها و اهرم‌های رایج، دارای مزایای بسیاری است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مواجه شدن با مقاومت کمتر در جوامع مقصد، عاری بودن دیپلماسی فرهنگی از لحنی خصمانه، آمرانه و نامحسوس بودن آن، فرصت بهتر برای حضور مؤثرتر بازیگران غیررسمی، خلاقانه‌تر بودن، انعطاف‌پذیری بیشتر و حتی فرصت طلبانه بودن از دیپلماسی کلاسیک و مواردی از این قبیل. در زمینه سیاست‌های تقنینی در حوزه دیپلماسی فرهنگی، مبتنی بر دیدگاه‌های امام خمینی، موارد ذیل را می‌توان برشمرد:

۱. برجسته کردن نقش و تأثیر فرهیختگان، دانشمندان و علمای گذشته و معاصر همچون

«مولانا»، «ابن سینا»، «فارابی»، «علامه طباطبایی» و غیره.

۲. استفاده از ظرفیت‌های نهفته در زبان و ادبیات کشور و ترویج آن از طریق تأسیس

رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های مهم جهان و اعطای بورس‌های منظم و

مستمر تحصیلی در مقاطع مختلف.

۳. حضور مؤثر در مجامع و همایش‌های بین‌المللی و نیز برگزاری منظم نمایشگاه‌ها،

گردهمایی‌ها، کارگاه‌ها و همایش‌های فرهنگی در کشور مورد نظر.

۴. تربیت دیپلمات‌ها و رایزن‌های فرهیخته از طریق ارائه آموزش‌های خاص فرهنگی

توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

۵. کمک به راه‌اندازی مراکز ایران‌شناسی و ایجاد این کرسی در دانشگاه‌های معتبر جهان.

(خانی، ۱۳۸۴: ۱۴۰)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، بررسی نظریات امام خمینی در مورد سیاستگذاری فرهنگی، به مثابه توافق نظر متصدیان امور در تشخیص و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های ضروری در فعالیت‌های فرهنگی کشور از همان سال‌های ابتدایی تشکیل جمهوری اسلامی، مورد مذاقه قرار گرفته است. امام خمینی با تعریف فرهنگ و مشخص کردن بایسته‌های آن و همچنین

۶۲ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

تعیین مؤلفه‌های فرهنگ غرب‌زده و استعماری به نقش محوری فرهنگ مستقل اسلامی در مسیر رشد و پیشرفت تأکید می‌ورزند.

اسلامی کردن سازوکارهای اداره فرهنگی کشور، پیروی از سیره ائمه اطهار، تأکید بر نقش قرآن در اداره امور فرهنگی و توجه به استقلال و آزادی از جمله مبانی سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی است. در این مقاله با تأکید بر وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره) سه مقوله سازماندهی فرهنگی، مشارکت فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است.

بر این اساس به‌طور مشخص، مجلس شورای اسلامی چند نقش اساسی در حوزه تقنین فرهنگ دارد:

۱. قانونگذاری در راستای تسهیل امور مرتبط با ترویج فرهنگ اسلامی از جمله ارائه راهکار قانونی برای اهمیت و ترویج قرآن، عترت و معارف اسلامی در جامعه.
۲. تدوین نقشه جامع فرهنگی کشور در کمیسیون فرهنگی در راستای احیا و اصلاح فرهنگ معنوی و مادی اسلامی و تقویت هویت‌سازی و نفی هرگونه وابستگی فرهنگی.
۳. اصلاح تدریجی فرهنگ عمومی از طریق قوانین نهادهای فرهنگی از جمله صدا و سیما، مطبوعات، دانشگاه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و غیره، در راستای جلوگیری از ترویج فرهنگ غربی به اسم فرهنگ صحیح.
۴. قانونی کردن راهکارهای مقابله با فرهنگ مصرفی و کالاهای تجملی و به‌وجود آوردن سازوکارهای قانونی اصلاح‌الگوی مصرف.
۵. تلاش برای اجماع فرهنگی میان مجلس، دولت، شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر نهادهای تصمیم‌گیر در کشور برای ایجاد تمرکز در مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی کشور و نظارت صحیح و دقیق بر فعالیت‌های فرهنگی.

منابع و ماخذ

- آذری قمی، احمد، «شرحی بر وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)»؛ قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم.
- اسدی مقدم، کبری، (۱۳۷۲). «دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی (ره)»؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- «اقتشار اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره)»؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تیبان دفتر ۳۷، ۱۳۸۶.
- باغانی، علی اصغر، (۱۳۷۰). «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، بر محور وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی»؛ دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه شهید بهشتی.
- پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری www.Khamenei.ir
- خانی، محمد حسن، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»؛ دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲، ۱۳۸۴.
- خمینی، روح الله، (۱۳۸۵). «صحیفه نور»؛ (بیانات و پیام‌های امام خمینی)؛ تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

❖ ۶۴ نامه پژوهش فرهنگی

- خمینی، روح الله، (۱۳۸۵). «ولایت فقیه، حکومت اسلامی»؛ تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- «سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک»؛ ج ۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- شفیعی مازندرانی، سیدمحمد، (۱۳۸۶). «درس‌هایی از وصیت‌نامه امام خمینی»؛ تهران، معارف.
- شهید ثانی، (۱۳۸۵). «کامل‌ترین ترجمه نموداری شرح لمعه»؛ ج ۶، مترجم حمید مسجد سرائی، تهران، حقوق اسلامی.
- صالحی امیری، سیدرضا و عظیمی دولت آبادی، امیر، (۱۳۸۷). «مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی»؛ تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- قادری، سیدعلی، (۱۳۷۱). «وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی»؛ تهران، دفتر مطالعات و سیاسی و بین‌المللی.
- کاظمی اردکانی، مهدی و کشاورز، سوسن، «مبانی نظری مدیریت تحول فرهنگی در ایران»؛ مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی.
- مسعودی، فاطمه، (۱۳۸۷). «مروری بر ابعاد وضعیت فرهنگی کشور»؛ گزارش داخلی معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- «نگرشی موضوعی بر وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی»؛ تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷.
- نگاهدار، بابک، (۱۳۸۲). «سیاست‌های فرهنگی کشورهای جهان»؛ ج ۱، انتشارات ایلیا گستر.
- نصرت پناه، محمدصادق و علی جعفری، (۱۳۸۹). «اداره امور فرهنگی کشور (بررسی سیاست‌های تقنینی جهت اداره امور فرهنگی کشور مبتنی بر وصیت‌نامه امام خمینی)»؛ دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.